



## کتاب‌سازها را باید نوعی بسازوبفروش دانست

علیرضا ذکاوتی قراگزلو\*

می‌کرد که پس از چاپ ممکن بود شهرت یا درجه علمی او را بالا ببرد، اما انگیزه‌اش کسب رتبه علمی نبود.

در حال حاضر اکثر پایان‌نامه‌ها تکراری است. برخی فقط برگ اول را کنده‌اند و استاد راهنما متأسفانه اصلاً این پایان‌نامه را نخوانده است و نمی‌داند حاصل تحقیق خود دانشجو است یا خیر؛ مخصوصاً در علوم انسانی که همه فکر می‌کنند چیزی بلدند. در برخی موارد در علوم انسانی کتابی ده بار تجدید و یک موضوع ۱۰۰ بار کار می‌شود؛ برای مثال درباره شاعری مثل حافظ بسیار کار شده که همه تکرار مکررات است.

بنابراین در درجه اول کمیت بر کیفیت ترجیح داده می‌شود و در درجه دوم، انگیزه‌های مادی، چه مالی و چه کسب رتبه، باعث می‌شود سرعت تولید آثار بالا رود و کاری مانند کار بسازوبفروشی را شاهد باشیم. به نظرم بسازوبفروشی اصطلاح درستی برای کتاب‌سازی است؛ مثلاً زمانی که انسان برای خودش خانه می‌سازد، نهایت کیفیت را به کار می‌برد، اما زمانی که بسازوبفروش می‌کند، فقط می‌خواهد زودتر خانه را آماده کند و به کیفیت کار توجه ندارد.

کتاب‌سازی‌های کنونی در تمام حوزه‌ها نمود دارد؛ اما در حوزه تصحیح متون در برخی موارد بسیار پررنگ‌تر است. برای مثال آثار زیادی از متون گذشته ما را که افرادی سرشناس تصحیح کرده‌اند اقتباس می‌کنند و نامی از مصحح آن ذکر نمی‌شود.

در حوزه تصحیح خیلی خیلی تأسف برانگیزتر است؛ مثلاً سه یا چهار تصحیح از تاریخ بیهقی داریم. یکی از این تصحیح‌ها بسیار قدیمی و کار ادیب پیشاوری است. مرحوم فیاض

یکی از مشکلاتی که این روزها در حوزه نشر دیده می‌شود، موضوع کتاب‌سازی و پخته‌خواری است. به نظر شما علل و عوامل شیوع این موضوع چیست؟

مهم‌ترین دلیلی که با پدیده کتاب‌سازی و بسازوبفروشی در تألیف و ترجمه مواجه هستیم، این است که در عصر جدید توجه به کمیت بیشتر از کیفیت است و این موضوع فقط منحصر به ایران نیست. در گذشته در زمینه کارهای ترجمه‌ای، آثاری که در ایران منتشر می‌شد هر چند از لحاظ تعداد کم بود، ولی ترجمه‌ها کیفیت داشت و هر کس در رشته‌ای که متخصص بود، وارد می‌شد؛ برای مثال محمد پروین گنابادی مقدمه ابن خلدون را ترجمه کرده.

در تألیف نیز همین‌طور است. در تألیف‌هایی که ما داریم، برای مثال در رشته‌های دانشگاهی، این تحقیقات بظاهر تألیف است ولی در واقع ترجمه ناقص است. کتاب‌های درسی معمولاً کهنه‌اند و بروز نیستند.

زمانی در ایران ۲۰ هزار دانشجو تحصیل می‌کردند. در حال حاضر ممکن است این تعداد ۱۰ برابر شده باشد، ولی این ده برابر، آن کیفیت تحصیلی سابق را نداشته باشند، چون نه استاد و نه جامعه از آنان کار خاصی نخواستند.

به عقیده شما چرا پدیده کتاب‌سازی و پخته‌خواری به آموزش عالی و پایان‌نامه‌ها راه یافته است؟

در حال حاضر بسیاری از کتاب‌سازی‌ها برای کسب رتبه است. این در حوزه پایان‌نامه‌ها بسیار مشهود است و عنصر مادی هم به آن اضافه شده است؛ زمانی علم را صرفاً برای علم می‌خواندند؛ یک نفر ادیب برای دلش کتابی ترجمه یا تألیف

\* پژوهشگر متون عرفانی



تصحیح دیگری به چاپ رساند که در اختیار محققان قرار گرفت؛ ولی در این اواخر دو تن از استادان دانشگاه‌های مشهد مجدداً، تاریخ بی‌بهرگی را تصحیح و چاپ کرده‌اند.

البته نباید منکر شد که برخی کارها باید مجدداً تصحیح شود؛ برای مثال چهارمقاله نظامی عروضی را مرحوم قزوینی اولین بار تصحیح کرده و دکتر معین مجدداً در این زمینه، توضیحات اضافه، این اثر را چاپ کرد و البته نمی‌توان کار دکتر معین را کتاب‌سازی دانست؛ معمولاً پخته‌خواری زمانی دیده می‌شود که مصحح گمنام باشد.

یکی از ضررهای جبران‌ناپذیر کتاب‌سازی، ضررهایی است که به حوزه نشر وارد می‌شود. آیا باید این آسیب‌ها را ناشی از سودجویی ناشران دانست یا عدم آگاهی اهالی نشر؟

در حوزه نشر هم همین طور است. سابقاً کار نشر کمتر بود و فرهنگ نشر به صورت خانوادگی دیده می‌شد، این افراد معمولاً تحصیلات سطح بالایی نداشتند، ولی متخصص نشر بودند و به لحاظ مسائل بازاری تخصص لازم را داشتند. زمانی کسانی در رأس انتشاراتی‌های دولتی بودند که به فضل و دانش مشهور بودند، اما وقتی کمیت زیاد شد در حوزه نشر هم غالباً افرادی که حداقل علاقه را داشتند، وارد شدند. برای مثال یک انتشاراتی مهم در ایران تحت نظر یکی از نهادهاست و هر دو سال یک بار مدیری‌تش عوض می‌شود و تا این مدیر کار را

یاد بگیرد، تغییر می‌کند و به این ترتیب انتشاراتی که توان آن را دارد که کتاب‌هایی چندجلدی چاپ کند، جزوه‌هایی مانند آداب آشپزی منتشر می‌کند.

**در حال حاضر صحبت‌هایی مبنی بر تدوین منشور اخلاق نویسندگی از سوی وزارت ارشاد به گوش می‌رسد. فکر می‌کنید ممیزی می‌تواند مانعی بر سر راه کتاب‌سازی‌ها باشد؟**

ممیزی دو معنی دارد؛ یک معنای خاص که کسی منکر اصل آن نیست؛ برای مثال مطلبی که خلاف صریح اسلام و برخلاف عفت عمومی باشد و امنیت را برهم بزند، مسلماً نباید چاپ شود. اما غیر از این سه مورد، سانسور سلیقه‌ای به نظر اهل قلم مطلقاً نباید باشد و برای همین قضیه ممیزی به معنای اخص، عده‌ای از نویسندگان را انتخاب کنند، ولی مسئله مهم‌تر این است که دستگاهی لزوماً غیر دولتی و بر این موضوع نظارت کند که آیا این کتاب ارزش چاپ را دارد یا خیر؛ واقعاً پانصد صفحه است یا پنجاه صفحه هم مطلب ندارد. در برخی موارد نیز کتاب‌هایی چاپ می‌شود با عناوین فریبنده و وقتی مخاطب عادی آنها را می‌خرد، می‌بیند که هیچ محتوایی ندارند.

## تازه‌های میراث مکتوب

مجلس در قصه رسول (ص)، کتابی است کهن، با زبانی ساده و بیانی دلنشین، برآمده از دل سنت «سیره نویسی» و آیین «مجلس گوئی» در قرن‌های پنجم و ششم. نویسنده در این کتاب، به مطالعه تاریخ صدر اسلام با تکیه بر زندگی رسول خدا (ص) می‌پردازد و سرگذشت ایشان را از سال‌های پیش از تولد تا زمان رحلت، به طرز جذّاب، داستانی و در عین حال بر پایه داده‌های مستند تاریخی، روایت می‌کند. اشتمال کتاب بر اطلاعات فراوان تاریخی، فرهنگی، دینی و مردم‌شناختی، در کنار روایت‌های داستانی و اساطیری آن، جذّابیت خاصی به اثر بخشیده است. علاوه بر این، نثر زیبا و یکدست کتاب، زبان بی‌تکلف و خالی از لغزش آن، وجود واژه‌ها و ترکیبات خاص و تازه، اعتدال در به کارگیری واژگان و ترکیبات عربی، و تأثیرپذیری نسبی آن از زبان مردم کوچه و بازار، از امتیازاتی است که می‌تواند در سیر مطالعات زبان فارسی مفید افتد.

### مجلس در قصه رسول

صلوة الله علیه  
از مؤلفی ناشناخته  
(احتمالاً سده ششم هجری)  
مقدمه، تصحیح و تعلیقات  
محمد پاریسانسب  
چاپ اول: ۱۳۹۰  
بها: ۱۰۵۰۰ تومان

